

تعیین اثربخشی آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد ارزش های اخلاقی

دکتر آسیه شریعتمدار، فیضیه آدینه وند*

گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱، تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۷)

چکیده

زمینه: برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان تنها برنامه‌ای است که با آموزش فلسفه به روش مباحثه، ملزومات رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان را تامین می کند و این امر با درگیر کردن در کاوش گری اخلاقی که مستلزم تفکر نقادانه و خلاقانه است، میسر می شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر آموزش مفاهیم فلسفه بر رشد ارزش های نوجوانان دختر می باشد.

روش: روش پژوهش، پس رویدادی می باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان دختر پایه اول متوسطه (دوره دوم) شهر قرچک است که در سال تحصیلی ۹۴ مشغول به تحصیل بودند. نمونه مورد مطالعه ۳۰ نفر بود که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند که ۱۵ نفر به عنوان گروه آزمایش و ۱۵ نفر به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات در پیش آزمون و پس آزمون از پرسشنامه ارزش ها استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس تک متغیری و چندمتغیری و اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد که بین آموزش مفاهیم فلسفی و مقیاس های خیرخواهی، سنت گرایی، همنوایی، امنیت، لذت گرایی، موفقیت، خودتکایی و جهان گرایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما بین آموزش فلسفه و مقیاس های قدرت و برانگیختگی رابطه معنادار نبوده است.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان داد که آموزش مفاهیم فلسفی باعث رشد ارزش های خیرخواهی، سنت گرایی، همنوایی، امنیت، لذت گرایی، موفقیت، خودتکایی و جهان گرایی نوجوانان شده است.

کلیدواژگان: ارزش ها، رشد ارزش ها، فلسفه برای کودکان، مفاهیم فلسفی، نوجوان.

سر آغاز

نوجوانی دوره پیچیده ای از رشد انسان است که دامنه آن از ۱۳ تا ۱۸ سالگی امتداد دارد. یکی از تکالیف مهم دوره نوجوانی دستیابی به مجموعه ای از اصول و ارزش هاست^۱ که به واسطه آن تصمیمات مهم زندگی گرفته می شود (۱). نوجوانان در راه کسب نظام ارزشی خود، بر اساس تجربه ها و یادگیری های خود همواره در حال بررسی، آزمودن و کسب ارزش ها هستند (۲). در این دوره نوجوانان به طور انتخابی یک نظام ارزشی را از طریق کاوش ارزش های ارائه شده توسط والدین، هم کلاسی ها و جامعه درونی می کنند (۳). نوجوان تمام روابط و باورهای را که در دوران کودکی بدون چون و چرا پذیرفته است مورد پرسش و تردید قرار می دهد و سعی می کند تا با توجه به شخصیت شکل پذیر و استدلال جوی خود، نظامی از ارزش ها درباره زیبایی، حقیقت، قدرت و دین را بدست آورد (۴).

نظام ارزشی از درونی ترین لایه های شخصیت و نیروی محرکه و جهت دهنده رفتارهای فرد است و به همین دلیل در رفتار اخلاقی دانش آموزان اهمیت فراوان دارد. بنابراین بجاست که در زمینه تقویت ارزش های موثر بر رشد اخلاقی^۲ و رفتار اجتماعی آنان اقدامات لازم صورت گیرد (۵). بهترین محمل برای آموزش، تمرین، ترویج و به کارگیری اخلاق برای تربیت انسان هایی متخلق به این ویژگی ها نظام آموزش و پرورش می باشد (۶). آموزش و پرورش به عنوان جزئی از نظام اجتماعی جامعه، نقش کلیدی در اصلاح و بازسازی جامعه از نسلی به نسل دیگر دارد. معلمان نقش مهمی در شکل دادن و مدل سازی به عادات، آداب و رسوم و بالاتر از همه، شخصیت دانش آموزان برای تبدیل شدن به انسان های سالم و شایسته ایفا می کنند (۷). طرفداران رویکرد شفاف سازی ارزش ها ادعا می کنند که تربیت اخلاقی بخش

مهم فعالیت های مدرسه است، به نظر می آید، نظام آموزشی به راحتی نمی تواند از درگیر شدن در مسئله ارزش های اخلاقی دانش آموزان اجتناب کند، زیرا قابل تصور نیست که تفکر اخلاقی یک کودک بتواند از جنبه های ذهنی و شناختی کلاس جدا شود (۸).

بین آموزش و پرورش و فلسفه^۳ رابطه نزدیکی وجود دارد. فلسفه امکان یک تصویر ذهنی و توانایی با هم نگرایی نسبت به امر مهم آموزش و پرورش را فراهم می سازد (۹). تحصیل فلسفه که یکی از ابعاد تحصیل انسانی است برای کشف و توسعه توانایی های انسان بسیار مهم است. تحصیل فلسفه را می توان به عنوان توانایی تفکر درست، منسجم، انتقادی، نظامند و سودمند تعریف کرد. با تحصیل فلسفه می توان به یک ارزیابی جامع و گسترده دست یافت (۱۰).

فلسفه برای کودکان^۴ یکی از کارآمدترین ابزارها را برای تبدیل کلاس های عادی به جوامع تحقیقی کوچک ارائه می دهد که در آن دانش آموزان می توانند ایده ها را تولید کرده و مبادله نمایند، مفاهیم را روشن کنند، فرضیه بسازند، تبعات احتمالی را بسنجند و به طور کلی به طور منطقی با هم کنکاش کنند (۱۱). فلسفه در کلاس درس بر آن است تا توانایی استدلال دانش آموزان را بهبود بخشد، کیفیت تفکر دانش آموزان را درباره موضوعات مهم بالا ببرد و مسائل اخلاقی را بررسی کند (۱۲).

نظریه پردازان زیادی در زمینه رشد اخلاق به پژوهش پرداخته اند. نظریه پردازان شناختی، اعتقادی به کسب منفعلانه ارزش ها ندارند، آنها با نظر بعضی از روان شناسان که دیدگاه های اخلاقی انسان را حاصل اجتماعی شدن می دانند و تصور می کنند که والدین و سایر عوامل موثر در این زمینه، دیدگاه های اخلاقی خود را به تدریج به کودکان منتقل می کنند، مخالفت می نماید. شناخت گرایان کودکان و نوجوانان را "فلسوفان اخلاقی"^۵ می خوانند و منظور آنها از این تعبیر این است که فرد خود می تواند و باید کمک شود که ارزش های خود را بسازد (۱۳).

تحقیقات نشان می دهد که یکی از راه های انتقال ارزش ها آموزش فلسفه است. در زمینه آموزش فلسفه در داخل و خارج کشور پژوهش های چندی انجام شده است. نتایج این پژوهش ها کارایی این برنامه را تایید می کند. یافته های پژوهشی نشان می دهد که قصه های قرآنی نقش مهمی در ایجاد و تعمیق فضایل اخلاقی نوجوانان ایفا می کند (۱۴). همچنین یافته ها نشان داد آموزش فلسفه بر رشد اخلاقی دانش آموزان ابتدایی تاثیر چشم گیری داشته است (۱۵). دیگر پژوهش ها تایید کردند برنامه آموزش فلسفه به کودکان قادر است در کودکان مهارت های اخلاقی را به صورت منطقی در آنان رشد دهد و از این طریق می توان به پرورش ارزش ها و رفتارهای مبتنی بر آنها دست یافت (۱۶). نتایج دیگر پژوهش ها تایید کردند که آموزش فلسفه باعث رشد اخلاق و نگرش های مذهبی، احترام به سنت ها، ایجاد روحیه پرسش گری دینی و ارتقا دینداری شده است. پژوهش گران تایید کردند آموزش فلسفه باعث رشد صفاتی چون ادب، احترام به دیگران، رعایت قوانین کلاسی، پذیرش عقاید دیگران، گوش دادن به دیگران، حمایت

از تعاملات گروهی و شرکت در بحث های کلاسی می شود. فلسفه برای کودکان به تغییر ریشه ای در آموزش توجه دارد. این برنامه به جای تاکید بر رویکردی که بر نقش معلم و بر انتقال دانش تاکید می کند، بر رویکردی استوار است که کودک را در مرکز قرار داده و بر کشف و تجربه و ساخت دانش تاکید می کند (۱۷). در برنامه فلسفه برای کودکان، برای اینکه محور آموزش و پرورش، تقویت قوای فکری و عملی دانش آموز، آموزش و تحقیق و تامل باشد، لازم است که کلاس های درس به اجتماع پژوهشی^۶ یا حلقه های کندوکاو تبدیل شوند (۱۸). برداشت نظریه پردازان از اجتماع پژوهشی مجموعه ای از افراد پژوهشگر و خلاق است که در یک فضای تحقیقی به دنبال یافتن راه حل های بدیع و خلاق برای مسائل هستند (۱۶). نقش معلم در اجتماع پژوهشی خیلی تعیین کننده و غیر مستقیم است، به اصطلاح معلم محوری نیست؛ یعنی این طور نیست که مثلا مسائلی که مطرح می شود یا تمریناتی که داده می شود معلم پاسخ درست را بداند و آن را مطرح کند تا به دانش آموزان نیز یاد دهد. در این سیستم بر گفتگو تکیه می شود؛ یعنی معلم باید گفتگو را رواج دهد. این گفتگو در میان همسالان با سواد تجربی یکسان صورت می گیرد، نه در رابطه ای عمودی و یک طرفه میان معلمی دانا و شاگردی نادان (۱۹).

برخی از صاحب نظران به این نتیجه رسیدند که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است (۲۰). داستان های مورد استفاده در فلسفه برای کودکان می توانند عواملی چون تخیل، شخصیت زنده، شادی و طنز را در بر داشته باشند. نویسنده می تواند اطلاعاتی که خواننده قادر به درکشان است را در عین سرگرم کننده بودن منتقل کند (۲۱).

برخی از پژوهش گران در پژوهش های خود گزارش کرده اند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث پیشرفت تحصیلی، افزایش بهره هوشی، پیشرفت در آزمون خواندن، خود کار آمدی، اطمینان نسبت به توانایی های خود، جرات مندی و رشد مهارت های استدلالی می شود (۱۸ و ۲۲). یافته های پژوهشی نشان داد آموزش فلسفه باعث رشد منش های اخلاقی از جمله درستکاری، مسوولیت پذیری، گذشت، دلسوزی، همدلی، کمک به دیگران، وفاداری و همکاری شده است (۲۲). صاحب نظران از برنامه آموزش فلسفه به کودکان برای رشد و توسعه مهارت های اجتماعی و ارزش های اخلاقی یاد می کنند و فراهم کردن زمینه های بحث گروهی برای ورود به عرصه انتقاد و اخلاق را از طریق آموزش فلسفه به کودکان تشویق می کنند (۱۶). هدف این پژوهش این است که برنامه آموزش فلسفه مبتنی بر ادبیات و فرهنگ بومی خود تدوین و اثر بخشی آن بر انتقال ارزش های اخلاقی بررسی شود.

روش

روش پژوهش حاضر پس رویدادی می باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان دختر پایه اول متوسطه (دوره دوم) ۱۵ تا ۱۶ سال شهر قرچک است که در سال تحصیلی ۹۴ مشغول به تحصیل بودند.

ارزش های دانش آموزان دختر گروه آزمایش پس از اعمال متغیر مستقل افزایش می یابد.

جدول ۱: نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره برای بررسی اثر آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد ارزش های نوجوانان

| منبع تغییرات | مجموع مجذورات | درجات آزادی | میانگین مجذورات | مقدار F | معناداری |
|--------------|---------------|-------------|-----------------|---------|----------|
| پس آزمون | ۴۶۰۲/۹۲ | ۱ | ۴۶۰۲/۹۲ | ۶۶/۸۹۱ | ۰/۰۰۱ |
| پیش آزمون | ۷۵۴۷/۲۲ | ۱ | ۷۵۴۷/۲۲ | ۱۰۹/۶۷۸ | ۰/۰۰۱ |
| خطا | ۱۸۵۷/۹۳ | ۲۷ | ۶۸/۸۱ | | |
| کل | ۱۰۹۵۴۰۳/۷۴ | ۳۰ | | | |

با توجه به نتایج جدول شماره (۲) می توان استنباط نمود که آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد خیر خواهی، سنت گرایی، هم نوابی، امنیت، لذت گرایی، موفقیت، خودتکایی و جهان گرایی دانش آموزان دختر نمونه مورد نظر تاثیر مثبت داشته است ($P < ۰/۰۵$). لکن در خرده مقیاس های قدرت و برانگیختگی دانش آموزان دختر نمونه مورد نظر بی تاثیر بوده است ($P > ۰/۰۵$).

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر آموزش مفاهیم فلسفی بر خرده مقیاس های ارزش های نوجوانان

| منبع تغییرات | مجموع مجذورات | درجات آزادی | میانگین مجذورات | مقدار F | معناداری |
|--------------|---------------|-------------|-----------------|---------|----------|
| خیر خواهی | ۱۷۵/۵۱ | ۱ | ۱۵۷/۵۱ | ۱۶/۶۶ | ۰/۰۰۱ |
| سنت گرایی | ۹۹/۲۵ | ۱ | ۹۹/۲۵ | ۲۵/۰۳ | ۰/۰۰۱ |
| هم نوابی | ۱۸/۹۸ | ۱ | ۱۸/۹۸ | ۵/۹۸ | ۰/۰۲۱ |
| امنیت | ۱۵۹/۵۲ | ۱ | ۱۵۹/۵۲ | ۳۵/۱۸ | ۰/۰۰۱ |
| قدرت | ۱/۶۷ | ۱ | ۱/۶۷ | ۰/۹۰ | ۰/۳۵۱ |
| برانگیختگی | ۵/۹۱ | ۱ | ۵/۹۱ | ۲/۸۳ | ۰/۱۰۴ |
| لذت گرایی | ۹/۰۵ | ۱ | ۹/۰۵ | ۸/۱۱ | ۰/۰۰۸ |
| موفقیت | ۲۳/۵۴ | ۱ | ۲۳/۵۴ | ۷/۴۶ | ۰/۰۱۱ |
| خودتکایی | ۴۹/۹۳ | ۱ | ۴۹/۹۳ | ۱۱/۵۱ | ۰/۰۰۲ |
| جهان گرایی | ۸۵/۱۸ | ۱ | ۸۵/۱۸ | ۵۱/۵۸ | ۰/۰۰۱ |

بحث

در این پژوهش یازده فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می دهد میانگین نمره کل مقیاس ارزش های دانش آموزان دختر گروه آزمایش پس از اعمال متغیر مستقل افزایش یافته است. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش گران بسیاری همسو می باشد. یافته های این پژوهش گران نشان می دهد که شرکت دانش آموزان در کلاس های آموزش فلسفه باعث رشد قضاوت اخلاقی، رفتار اخلاقی و ارزش های اخلاقی می شود. صاحب نظران عقیده دارند که برنامه های آموزش اخلاقی وقتی موفقند که در آنها معلم به جای متکلم وحده بودن، بیشتر نقش زمینه ساز و تسهیل کننده را بر عهده

نمونه مورد مطالعه ۳۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای ۱۵ نفر به عنوان گروه آزمایش و ۱۵ نفر به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. در این پژوهش از یک ابزار اندازه گیری به نام پرسشنامه ارزش ها در پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد. این پرسشنامه برای افراد ۱۲ سال به بالا مناسب است و مشتمل بر ۵۷ ماده می باشد که آزمودنی ها به هریک از ماده ها به صورت یک مقیاس هفت درجه ای پاسخ می دهند. این پرسشنامه ارزش های ده گانه زیر را می سنجند: خیر خواهی^۱، سنت گرایی^۲، هم نوابی^۳، امنیت^۴، قدرت^۵، برانگیختگی^۶، لذت گرایی^۷، موفقیت^۸، خودتکایی^۹ و جهان گرایی^{۱۰}. پرسشنامه بر روی دانش آموزان تهرانی اجرا شده و ضریب آلفای مقیاس های آن به شرح زیر است: مقدار ضریب آلفا برای مقیاس های خیر خواهی ۰/۶۶، سنت گرایی ۰/۴۸، هم نوابی ۰/۵۹، امنیت ۰/۶۹، قدرت ۰/۴۸، برانگیختگی ۰/۳۶، لذت گرایی ۰/۲۹، موفقیت ۰/۳۵، خودتکایی ۰/۴۹ و جهان گرایی ۰/۶۵ است و ضریب آلفای کل ۰/۹۱ (۲۳). در این پژوهش، منظور از آموزش فلسفه، آموزش هایی است که به صورت اجتماع پژوهی طی ۱۱ جلسه یک ساعته برای دانش آموزان دختر پایه اول (متوسطه دوم) اداره آموزش و پرورش شهرستان قرچک توسط محقق در ساعات خارج از ساعت مدرسه (ساعت ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰) در قالب کلاس های فوق برنامه برگزار شد و در هر جلسه یک داستان کوتاه که مربوط به یک مفهوم فلسفی است به صورت گروهی به دانش آموزان ارائه شد. بعد از انتخاب نمونه و جایگزین کردن آنها به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل، برنامه آموزش فلسفه صرفاً برای گروه آزمایش اجرا شد. محرک های مورد استفاده در این کلاس ها داستان هایی بود که از کتاب زنگ فلسفه جهت بحث در کلاس انتخاب شد. گروه هدف کتاب، دختران و پسران ۸ تا ۱۴ سال هستند اما با توجه به اینکه فعالیت ها متنوع اند و برای افراد با توانایی ها و علایق مختلف طراحی شده اند، برای سنین پایین تر و بالاتر هم کاربرد دارند (۲۴). مفاهیم فلسفی که از جلسه دوم به صورت اجتماع پژوهی به اعضاء آموزش داده شد عبارتند از: سوال، احساسات و عواطف، دوستی، قانون، زیبایی، عدالت، قضاوت، استدلال، جبر و اختیار و راز. برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های مرکزی و پراکنندگی، آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری و چند متغیری و اختلاف نمرات پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد.

یافته ها

جدول شماره (۱): نتایج تحلیل کوواریانس بین پس آزمون دو گروه آزمایش و کنترل در متغیر نمره کل مقیاس ارزش ها با برداشتن اثر پیش آزمون را نشان می دهد. همانطور که سطر اول جدول (۱) نشان می دهد ($F(۱,۳۰) = ۶۶/۸۹۱$) از $P = ۰/۰۰۱$ مقدار F جدول با درجه آزادی ۱ در صورت و ۳۰ در مخرج در سطح معناداری ($P < ۰/۰۵$) بزرگتر است، ($F(۱,۳۰) = ۴/۱۷$). نتایج نشان می دهد نمره کل مقیاس

داشته باشد و سعی کند کودکان را درگیر بحث پیرامون حل معماهای اخلاقی کند تا اینکه کودکان ضمن برقراری داد و ستد فکری در این مورد، به رشد لازم دست یابند (۲۵). بنابراین فراهم کردن محیط آزاد در کلاس درس، تشویق دانش آموزان به بحث گروهی، توجه به عقاید دانش آموزان، کمک به آنها در جمع بندی مطالب و مشارکت فعال آنها در حل مسائل اخلاقی از مهمترین ابزارهای معلمان در کمک به رشد قضاوت های اخلاقی دانش آموزان است (۲۶). نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق نشان داد که آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد خیرخواهی دانش آموزان تاثیر مثبت داشته است. یافته های این پژوهش همسو با یافته های پژوهش های مشابه است. دیگر پژوهش گران دریافتند شرکت دانش آموزان در کلاس های آموزش فلسفه باعث رشد منش های اخلاقی از جمله درستکاری، مسوولیت پذیری، گذشت، دلسوزی، همدلی، کمک به دیگران، وفاداری و همکاری که از شاخصه های مولفه خیر خواهی هستند، می شود. کودکان و نوجوانان از طریق تفکر، صحبت کردن، گوش دادن و سوال از یکدیگر و احترام به عقاید دیگران، همکاری متقابل، اعتماد، توجه، احترام، مسوولیت پذیری و همدلی را در خود توسعه می دهند (۱۴ و ۲۲). بر اساس آزمون انجام شده، فرضیه سوم یعنی وجود یک رابطه مثبت و معنی دار بین آموزش مفاهیم فلسفی و رشد سنت گرایی مورد تایید واقع شد. یافته های این پژوهش با سایر پژوهش ها در این زمینه همسو می باشد. پژوهش گران در پژوهش های خود گزارش کرده اند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث رشد اخلاق و نگرش های مذهبی، احترام به سنت ها، ایجاد روحیه پرسش گری دینی و ارتقا دینداری که از شاخصه های مولفه سنت گرایی هستند، می شود. در کلاس های آموزش فلسفه می توان ارزش های سنتی را مورد بحث و بررسی قرار داد تا دانش آموزان آزادانه به بررسی ارزشمندی و اعتبار یک عقیده یا اندیشه رهنمون شوند، این یک روش تدریس قدرتمند است، زیرا یادگیرنده را به طور فعال درگیر می کند و تفکر نقاد را پیش می راند و این تنها چیزی است که در بررسی اخلاق و ارزش های سنتی و دیگر مسائل انسانی و اجتماعی لازم است (۲۲ و ۲۷). نتایج پژوهش، فرضیه چهارم را تایید می کند. به عبارتی میانگین نمره مولفه هم نوایی مقیاس ارزش های دانش آموزان دختر گروه آزمایش پس از اعمال متغیر مستقل افزایش یافته است. یافته های این پژوهش با پژوهش های بسیاری همسو می باشد. پژوهش گران در پژوهش های خود گزارش کرده اند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث رشد صفاتی چون ادب، احترام به دیگران، رعایت قوانین کلاسی، پذیرش عقاید دیگران، گوش دادن به دیگران، حمایت از تعاملات گروهی و شرکت در بحث های کلاسی که از شاخصه های مولفه همنوایی هستند، می شود. کلاس های آموزش فلسفه دانش آموزان را تشویق می کند بتوانند احساسات و عقاید خود را آزادانه بیان کنند؛ از طرفی با احترام به احساسات و عقاید سایر اعضا گوش کنند. همچنین ایجاد قوانین و روشن کردن اهمیت آن برای دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث

می شود اعضا نحوه تعامل سازنده با یکدیگر را یاد بگیرند و رفتارهای گروهی و قوای محرکه در آنها تقویت می یابد (۱۰ و ۲۲). بر اساس یافته های پژوهش، فرضیه پنجم مورد تایید واقع شده است. به عبارتی بین آموزش مفاهیم فلسفی و مولفه امنیت یک رابطه مثبت و معنی داری مورد تایید واقع شده است. یافته های این پژوهش با پژوهش های انجام شده همسو می باشد. پژوهش گران دریافتند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث می شود دانش آموزان اطمینان بیشتری نسبت به خودشان داشته باشند، ارتباط فردی و جمعی و تفکر خود را بهبود بخشند و در ارتباط با خود و دیگران احساس ارزشمندی کنند. این ویژگی ها از شاخصه های مولفه امنیت هستند. آنها در چنین فضایی می توانند پرسش های مورد علاقه خود را مطرح سازند و به این آگاهی می رسند که چگونه در پرسیدن و تفکر، خطر پذیر باشند. آنها تشخیص می دهند که این کار را می توانند در ساختاری مطمئن و فضایی حامی و امن انجام دهند (۲۲). نتایج پژوهش نشان می دهد بین گروه های آزمایش و کنترل از نظر نمره پس آزمون مولفه قدرت تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین برنامه آموزش فلسفه بر رشد مولفه قدرت دانش آموزان بی تاثیر بوده است، به عبارتی بر اساس یافته های پژوهش فرضیه ششم مورد تایید واقع نشد. در این زمینه پژوهش هایی که همسو یا ناهمسو با یافته های این فرضیه باشند مشاهده نشد. نتایج نشان می دهد بین گروه های آزمایش و کنترل از نظر نمره پس آزمون مولفه برانگیختگی مقیاس ارزش ها تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین برنامه آموزش فلسفه بر رشد برانگیختگی دانش آموزان بی تاثیر بوده است، به عبارتی بر اساس یافته های پژوهش فرضیه هفتم مورد تایید واقع نشد. در این زمینه پژوهش هایی که همسو یا ناهمسو با یافته های این فرضیه باشند مشاهده نشد. نتایج پژوهش فرضیه هشتم را مورد تایید قرار داد. بر اساس یافته های پژوهش میانگین نمره مولفه لذت گرایی مقیاس ارزش های دانش آموزان دختر گروه آزمایش پس از اعمال متغیر مستقل افزایش یافته است. در این زمینه پژوهش هایی با عنوان تاثیر آموزش مفاهیم فلسفه بر رشد لذت گرایی که همسو یا ناهمسو با یافته های این فرضیه باشند مشاهده نشد، اما می توان به پژوهش هایی مشابه اشاره کرد. نتایج این پژوهش ها نشان می دهند آموزش ذهن آگاهی، آموزش هشیاری افزایشی مبتنی بر اخلاق اسلامی و آموزش شناختی با رویکرد اسلامی بر رضایت از زندگی که از شاخصه های مولفه لذت گرایی است، تاثیر مثبت دارد. در کلاس های آموزش فلسفه، کودکان و نوجوانان اجازه دارند تا بدون محدودیت ها و موانعی که در کلاس های عادی وجود دارد، صحبت کنند و بیشتر بر اساس تجربه خود مشارکت کنند. دانش آموزان در چنین کلاس هایی احساس راحتی بیشتری می کنند و بدون اینکه مورد قضاوت دیگران قرار بگیرند درباره عقاید خود صحبت می کنند. زمانی که بزرگترها از اعمال قوانین غیر ضروری و نظارت های شدید خودداری ورزند، کودکان و نوجوانان بهتر می توانند بیندیشند و



نظر(ارزش ها) بود. بنابراین در تعمیم یافته ها باید جانب احتیاط را رعایت کرد. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که در پژوهش های بعدی از طرح های همتا استفاده شود و گروه آزمایش و گواه براساس متغیرهای احتمالی دخیل (مثل هوش) همتا شوند، برای سنجش ارزش ها، پرسشنامه های بومی مبتنی بر فرهنگ کشور خودمان ساخته شود، پژوهش های مشابه بعدی با جامعه آماری در پایه های تحصیلی دیگر، شهرها و فرهنگ های متفاوت، دیگر متغیرها و دانش آموزان پسر انجام شود و نتایج با هم مقایسه شود، در پژوهش های بعدی به مقایسه تاثیر این روش (آموزش فلسفه) با سایر روش های مداخله ای بر رشد ارزش های نوجوانان پرداخته شود، در مدارس، کلاس های آموزش مفاهیم فلسفه توسط معلمان مجرب و آموزش دیده در این زمینه، در قالب کلاس های فوق برنامه برای دانش آموزان علاقمند ارائه شود.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، ضمن پذیرش اثرات مثبت اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان یک فرضیه کلی با ده فرضیه جزئی مطرح و مشخص شد که این برنامه از قابلیت لازم برای رشد ارزش ها در نوجوانان برخوردار است. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشانگر این واقعیت است که همانند سایر پژوهش های داخلی و خارجی، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان نتایج مثبت و سازنده ای را در برداشته است. یافته های این تحقیق بیانگر آن است که این برنامه بر رشد ارزش های گروه آزمایش تاثیر مثبت گذاشته است. نتایج تحقیق نشان داد که آموزش مفاهیم فلسفی باعث رشد زیر مقیاس های خیرخواهی، سنت گرایی، همنوایی، امنیت، لذت گرایی، موفقیت، خودتکایی و جهان گرایی شده است اما در رشد زیر مقیاس های قدرت و برانگیختگی بی تاثیر بوده است. شاید بتوان علت معنادار نبودن فرضیه های پنجم (قدرت) و ششم (برانگیختگی) پژوهش را در محدود بودن زمان اجرای پژوهش، خستگی دانش آموزان(کلاس های آموزش فلسفه در ساعاتی خارج از ساعات مدرسه، حدود ساعت ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ برگزار می شد). از طرفی می توان علت معنادار نبودن این فرضیه ها را چنین تبیین کرد که در پرسشنامه ارزش ها قدرت و برانگیختگی به عنوان دو ارزش از ارزش های ده گانه مشخص شده اند. این پرسشنامه قدرت را، داشتن قدرت اجتماعی، داشتن ثروت و مالکیت و داشتن تسلط و کنترل بر مردم تعریف می کند و برانگیختگی را، داشتن زندگی هیجان انگیز، داشتن تجارب هیجان آور، زندگی متنوع همراه با تغییر و جسور و اهل ریسک بودن تعریف می کند. به نظر می رسد این ها مفاهیمی هستند که با ارزش های جامعه ما درباره زنان تطابق ندارد و به همین دلیل آموزش فلسفه در این زمینه بی تاثیر بوده است. برنامه آموزش فلسفه در طول سه دهه از شهرت و اعتبار جهانی برخوردار شد و تمامی جریان های تربیتی معاصر را تحت تاثیر قرار داد. نتایج مطالعات و پژوهش ها نشان می دهد، برنامه آموزش فلسفه به کودکان از اعتبار و پایایی لازم برای

اگر مورد توجه قرار گیرند، علایق آنان افزایش می یابد(۲۸ و ۲۹). با توجه به نتایج آزمون فرضیه نهم وجود یک رابطه مثبت و معنی دار بین آموزش مفاهیم فلسفه و مولفه موفقیت مورد تایید واقع شد. یافته های این پژوهش با سایر پژوهش ها همسو می باشد. پژوهش گران در چنین پژوهش های خود گزارش کرده اند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث پیشرفت تحصیلی، افزایش بهره هوشی، پیشرفت در آزمون خواندن، خود کار آمدی، اطمینان نسبت به توانایی های خود، جرات مندی و رشد مهارت های استدلالی که از شاخصه های مولفه موفقیت هستند، می شود. فلسفه برای کودکان فضایی را ایجاد می کند که پیشرفت آموزشی دانش آموزان را به طور گسترده تحت تاثیر قرار می دهد (۱۸، ۲۲، ۳۰ و ۳۱).

نتایج آزمون فرضیه دهم نشان داد آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد خودتکایی دانش آموزان دختر موثر است. یافته های این پژوهش با سایر پژوهش ها همسو می باشد. پژوهش گران در پژوهش های خود دریافتند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث بالا رفتن سطح اعتماد به نفس، توانایی استدلال کردن، ابراز وجود، خلاقیت، توانایی حل مسئله و خود کارآمدی که از شاخصه های مولفه خود تکایی هستند، می شود. فلسفه آنان را یاری می دهد که تعقل و استدلال درست را در بحث های کلاسی یاد بگیرند که آنجا آزادانه عمل کنند و مجبور نیستند به نتایج از پیش تعیین شده قبلی برسند. بحث باز این فرصت را به آنان می دهد تا عقاید خودشان را نسبت به عقاید دیگران پیگیری و بررسی کنند. آنان متفکرتر شده و برای خودشان شروع به تفکر می کنند. این مشورت و تفکر کلاسی باعث فراخواندن تفکری می شود که ماهرانه و سنجیده است، تفکری که معیارهای مربوط به خود را به کار می گیرد و خود اصلاح گر است (۳۱ و ۳۲).

با توجه به نتایج آزمون انجام شده، فرضیه یازدهم یعنی آموزش مفاهیم فلسفی بر رشد جهان گرایی دانش آموزان دختر موثر است. یافته های این پژوهش با نتایج پژوهش های دیگر همسو می باشد. پژوهش گران در پژوهش های خود گزارش کرده اند شرکت دانش آموزان در چنین کلاس هایی باعث بالا رفتن همدلی، رشد عدالت، اعتقاد به صلح جهانی و حفظ محیط زیست که از شاخصه های مولفه جهان گرایی هستند، می شود. فلسفه نوجوانان را یاری می کند چه در درون مدرسه و چه در بیرون مدرسه درک درستی نسبت به جهان هستی و تجربه خود از آن داشته باشند، به گونه ای که انسان هایی با فکرتر، معقول تر و مسوول تر شوند. بسیاری از اصولی که در کلاس های آموزش فلسفه مورد بحث قرار می گیرند از جمله همکاری، احترام به حقیقت، عدالت و مسائل دیگر، کاربرد جهانی دارند (۲۲ و ۳۲). این پژوهش نیز به نوبه خود از محدودیت های علمی حاکم بر پژوهش ها مبرا نبوده است؛ یکی از محدودیت های پژوهش حاضر این بود که امکان کنترل همه عوامل تاثیرگذار بر نتیجه پژوهش وجود نداشت. تفاوت های فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و تفاوت های فردی از جمله عوامل موثر در رشد ارزش ها می باشند که امکان کنترل همه آنها وجود نداشت. از دیگر محدودیت های پژوهش بومی نبودن ابزار اندازه گیری برای متغیر مورد

3. Arıcak OT, Dundar S, Saldaña M. (2015). Mediating effect of self-acceptance between values and offline/online identity expressions among college students. *Computers in Human Behavior*; 4(9):p.364.
4. Ahmadi A. (2008). *Psychology of teens and youth*. 2sted. Tehran: Islamic Culture Publications Office. P.62. (In Persian).
5. Lotfabadi H. (2012). *Educational psychology*. 1sted. Tehran: Samt Publication .P.146. (In Persian).
6. Atashkah M, Ghahremani M, Abolghasemi M, Farsatkah M, Makhzadeh P. (2012). Reflecting the concepts of international ethics in the purposes of education in Iran. *Ethics in Science and Technology*; 7 (2): 1. (In Persian).
7. Asadian S, Ghasemzadeh A, Gholizadeh H. (2017). The role of ethics and professional qualifications in teachers' self-control beliefs. *Ethics in Science and Technology*; 12 (3): 33. (In Persian).
8. Chenari M (2015). Philosophical foundations and critique of the transparency of values approach. *Ethics in Science and Technology*; 10 (3). (In Persian).
9. Ismaeel Tabar M. (2006). *An introduction to the concepts and schools of philosophy*. 2sted. Tehran: Farhang-e Sabz Publication. Pp.28-29. (In Persian).
10. Gokalp N. (2012). Philosophy education and human freedom. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*; 4(7): 477.
11. Gruioniu O. (2013). The philosophy for children, an ideal tool to stimulate the thinking skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*; 7(6): 382.
12. Shaw R. (2008). *Philosophy in the classroom*. Translated by: Dehnavi M , Heidari R. (2010). Tehran: Avaye Noor Publication. P.21. (In Persian).
13. Kadivar P. (2007). *Psychology of ethics*. 1sted. Tehran: Agah Publishing Institute. P.75 (In Persian).

اجرا در فضاهای آموزشی و تربیتی برخوردار است. در یک جمع بندی از نتایج می توان گفت، بسیاری از محققان به اثرات اخلاقی این برنامه اعتراف دارند.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش اصول و ضوابط اخلاق علمی همچون امانتداری، رازداری، رضایت آگاهانه و صداقت، مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

سپاسگزاری

از مدیر آموزش و پرورش و هسته مشاوره شهرستان قرچک و کلیه دانش آموزانی که در اجرای این پژوهش، محققان را یاری نموده اند صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.

واژه نامه

| | |
|---------------------------------|-------------------|
| 1. Values | ارزش ها |
| 2. Moral development | رشد اخلاقی |
| 3. Philosophy | فلسفه |
| 4. Philosophy for children(P4c) | فلسفه برای کودکان |
| 5. Moral Philosophy | فلسفه اخلاق |
| 6. Community of inquiry | اجتماع پژوهی |
| 7. Benevolence | خیرخواهی |
| 8. Tradition | سنت گرایی |
| 9. Conformity | همنوایی |
| 10.Security | امنیت |
| 11. Power | قدرت |
| 12. Stimulation | برانگیختگی |
| 13. Hedonism | لذت گرایی |
| 14. Achievement | موفقیت |
| 15. Self-direction | خود اتکایی |
| 16. Universalism | جهان گرایی |

References

1. Biyabangard I. (2005). *Adolescent psychology*. 1sted. Tehran: Islamic Culture Publications Office. P.11. (In Persian).
2. Gibson R L, Mitchell M H.(1927). *Introduction to counseling and guidance*. Translated by: Sanayee B , Ahmadi S A, Hosseinian S, Pasha Sharifi H ,Alaaqband S. (2012). Tehran: Roshd Publication. P.283. (In Persian).



23. Azad E. (2008). Surveying Schwartz Theory of periodic values. 1sted. Tehran: Yarpooaya Test Institute Publication. P.1-9. (In Persian).
24. Moradi M , Parvin B. (2013). Class of philosophy, a philosophy instructor's manual for children. 1sted. Tehran: Elm Publication. Pp.9-10. (In Persian).
25. Biriya N, Rahnama SA , Aqa Tehrani M , Haqqani A , Shamly A , Zarean M J . (2011). Developmental psychology with Attitudes toward Islamic resources (Research Institute of seminary andUniversity).1sted.Tehran:Samt Publication. (In Persian).
26. Kadivar P. (2011). Educational Psychology.1sted. Tehran: Samt Publication.P.94. (In Persian).
27. Keikhahei M. (2014). The relationship between the quality of religious education programs and the religious attitude of preschool children (5-6 years old). [Master Thesis]. Tehran: Tarbiat Moallem University. (In Persian).
28. Soltanzadeh M. (2012). Comparison of the effectiveness of cognitive-behavioral and meta-cognitive-behavioral therapies and mind-focused therapy on early ejaculation, marital satisfaction, anxiety and depression in men referred to Isfahan health centers. [Ph.D. Thesis]. Isfahan. University of Isfahan. (In Persian).
29. Shariatmadar A. (2011). Elaboration of existential incremental intelligence education and incremental awareness based on Islamic ethics and comparison of their effectiveness on increasing the life satisfaction. [Ph.D. Thesis].Tehran: Allameh Tabatabai University. (In Persian).
30. Meidani M. (2012). The effectiveness of emotional intelligence on students' progress and academic achievement in Third year high school students in Yazd. [MA Thesis].Yazd: Yazd University. (In Persian).
31. Gandmani MY, Shaghaghi F, Meybodi S. (2011). The effectiveness of philosophy education on self-esteem and the problem-solving among female
14. Ali Pour A. (2014). The impact of Quranic stories on adolescent ethics. [Master Thesis]. Sari: Mazandaran University. (In Persian).
15. Ghezavati Pour M. (2010). The impact of teaching philosophy on the moral development of students in fifth grade. [Master Thesis]. Tehran: Allameh Tabatabaei University. (In Persian).
16. Jahani J. (2007). Study of the effect of philosophy education program on children's growth in students' ethical motives. Quarterly Journal of Curriculum Studies; 2(7): 45-58. (In Persian).
17. Vansieleghem N. (2005). Philosophy for children as the wind of thinking. Journal of Philosophy of Education; 39(1): 19.
18. Marashi M, Haghighi J, Bonabi Mobaraki Z , Bashlida K. (2007). Investigating the effect of research community method on the development of reasoning skills in female secondary school students. Quarterly Journal of Curriculum Studies; 2(7): 98-103. (In Persian).
19. Bagheri K. (2009). Importance of implementing p4c program and its alignment with Islamic education. [4 pages]. Available at: URL. <http://shikhbalal.blogspot.com>. Accessed: 9 Jun,2009. (In Persian).
20. Fisher R. (2001). Teaching children to think. Translated by: Safaei M M, Najarian A.(2006). Ahvaz: Rasesh Publication. P.269. (In Persian).
21. Nihan A, Ayşegül C. (2014). Views of primary school teachers on philosophy books prepared for children. Procedia - Social and Behavioral Sciences; 11(6): 2498.
22. Hedayati M, Ghaedi Y, Shafiabadi A, Younesi Gh. (2011). The effect of the implementation of the philosophy program for children as a research population on the improvement of interpersonal relationships among elementary school students in Tehran from the point of view of teachers. Quarterly Journal of Novel Educational Thoughts; 4 (3): 141-152. (In Persian).

students. Quarterly Journal of Applied Psychology; 5 (2): 78. (In Persian).

32. Azimpour AR. (2008). The effectiveness of teaching narratives with contemplative philosophy for children on the ethical evolution of elementary school male students. [MA Thesis]. Tehran: Allameh Tabataba'i University. (In Persian).
33. Izadi A. (2014). A survey on the use of philosophy for children in environmental education. [MA Thesis]. University of Hamedan. (In Persian).